

آیا اعتصاب غذا، خودسوزی و دیگر شکل‌های آسیب رساندن به خود را می‌توان مقاومت مدنی دانست؟

اریکا چنووت



اعتصاب غذا، خودسوزی و نظایر آنها شیوه‌هایی خشونت‌پرهیزند زیرا کسی که این اقدامات را انجام می‌دهد به دیگران آسیب جسمانی نمی‌رساند یا آنها را به این کار تهدید نمی‌کند. آنانی که چنین اقداماتی را انجام می‌دهند، می‌خواهند پیام روشنی بفرستند: علت درد و رنج من را از میان بردار تا بتوانیم حل اختلاف خود را آغاز کنیم.

بسیاری از کنشگران و رهبران جنبش‌ها در زندان اعتصاب غذا کرده‌اند، از جمله کسانی که در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۴ برای دستیابی زنان به حق رأی و دستمزد برابر در بریتانیا مبارزه می‌کردند. مدافعان آمریکایی حق رأی زنان، از جمله آلیس پل، نیز این روش را در پیش گرفتند. اعتصاب غذای مدافعان حق رأی زنان به آنها اجازه داد که در درون زندان به مبارزه‌ی خشونت‌پرهیز ادامه دهند. زمانی که زندان‌بانان به یکی از روش‌های به‌شدت منفور سرکوب متوسل شدند و این زنان را به زور به غذا خوردن واداشتند، مدافعان حق رأی زنان در بیرون از زندان با انتشار خبرنامه و چاپ پوستر، جزئیات این اتفاقات ناگوار را شرح دادند. وقتی عامه‌ی مردم خواندند و شنیدند که بعضی از زنان حاضرند برای آرمانی والاتر درد و رنج را تحمل کنند، اعتصاب‌غذاکنندگان از نظر اخلاقی دست بالا را پیدا کردند. اعتصاب غذا مقام‌های دولتی آمریکا و بریتانیا را به طور مستمر در تنگنای تاکتیکی قرار داد. زندان‌بانان یا می‌توانستند

زندانیان را به تغذیه‌ی اجباری وادارند، و در نتیجه بر همدلی و حمایت از آنان بیفزایند - یا می‌توانستند اعتصاب‌غذاکنندگان را آزاد کنند و در نتیجه به آنها اجازه دهند که بیش از پیش در راه آرمان خود اقداماتی را سازمان‌دهی کنند.

دهه‌ها بعد، وقتی مسئولان ایرلند شمالی در سال ۱۹۸۱ اعضای «ارتش موقت جمهوری‌خواه ایرلند» را در رابطه با چند بمب‌گذاری زندانی کردند با معضل مشابهی روبه‌رو شدند. بابتی سندز، یکی از اعضای ارتش موقت جمهوری‌خواه ایرلند، در اعتراض به شرایط غیرانسانی زندان، اعتصاب غذای جنجال‌برانگیزی را سازمان‌دهی کرد. بعد از ۶۷ روز، او و نه نفر دیگر به علت گرسنگی جان باختند. بسیاری سندز را شهید این جنبش شمردند و در نتیجه تعداد بیشتری به عضویت ارتش موقت جمهوری‌خواه ایرلند درآمدند.

سزار چاوز، ماهاتما گاندی و تعدادی دیگر نیز از اعتصاب غذا و روزه برای اعتراض به بی‌انضباطی جنبش‌های خود استفاده کرده‌اند. چاوز، یکی از سازمان‌دهندگان اصلی «اتحادیه‌ی کارگران مزارع کالیفرنیا»، دست به اعتصاب غذا زد تا بعضی از اعضای این اتحادیه را که در جریان اعتراضی به کشاورزان و حامیان آنها حمله کرده بودند شرمسار کند. گاندی بارها در اعتراض به خشونت ضداستعماری دست به اعتصاب غذا زد؛ افزون بر این، او بارها اعتصاب غذا کرد تا به سازمان‌های ناسیونالیست هندی مختلف فشار بیاورد که علیه سلطه‌ی استعماری بریتانیا با یکدیگر همکاری کنند.

اعتصاب غذا به درد و رنج شدید می‌انجامد و ممکن است باعث آسیب جدی، بیماری یا مرگ شود. اما از نظر تاریخی، خودسوزی راهکار مرگ‌بارتری بوده است. خودکشی - آن هم به شیوه‌ای چنین مشهود و دردناک - در واکنش به بی‌عدالتی شدید، تأثیرات نمادین مهمی دارد. خودسوزی ممکن است حاکی از تعهد فداکارانه به آرمان، و نشانه‌ی توسل به وجدان اخلاقی طرف مقابل باشد و این پیام را برساند که این جنبش خواهان آسیب رساندن به طرف مقابل نیست. در ویتنام جنوبی در سال ۱۹۶۳، شش راهب بودایی در اعتراض به کشتار بودایی‌ها توسط دولت ویتنام جنوبی، که حامی کاتولیک‌ها بود، خود را آتش زدند. این خودسوزی به نماد بین‌المللی عدالت تبدیل شد، و رابطه‌ی جان اف. کندی با رئیس‌جمهور ویتنام جنوبی، انگو دین دییم، را خراب کرد، و آمریکا را برانگیخت تا پس از سرنگونی و ترور دییم در سال ۱۹۶۳، بیش از پیش در منازعه‌ی میان ویتنام شمالی و ویتنام جنوبی درگیر شود. بین سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۷۴، تعداد زیادی از ویتنامی‌ها در اعتراض به حمایت آمریکا از ویتنام جنوبی، سیاست‌های ظالمانه‌ی دولت ویتنام جنوبی، و جنگ میان شمال، جنوب و آمریکا خودسوزی کردند. اقدامات نمادین چشمگیری مثل خودسوزی گاهی اشاعه می‌یابد، و معترضان و دگراندیشان در دیگر کشورها یا دیگر شرایط نیز چنین شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند. برای مثال، وقتی آمریکا به جنگ ویتنام وارد شد، نه آمریکایی از راهبان بودایی تقلید کردند و خود را در آمریکا سوزاندند - این بار در اعتراض به تشدید بی‌امان بمباران هوایی، عملیات ضدشورش و اعزام سربازان آمریکایی به ویتنام. در هندوستان، فعالان تاملیل در میانه‌ی دهه‌ی ۱۹۶۰ در اعتراض به

تحمیل زبان هندی به جای زبان تامیل خودسوزی کردند. تعدادی از مخالفان کمونیسم در لهستان، مجارستان، چکسلواکی و رومانی هم در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ یکی پس از دیگری خودسوزی کردند.

در سال ۲۰۰۸، دولت چین جنبشی تبتی را سرکوب کرد که خواهان آزادی، دموکراسی، و حق تعیین سرنوشت، و مخالف اشغال تبت، ممنوعیت شعائر و مناسک بودایی، و سیاست اسکان چینی‌های هان تبار در تبت برای تغییر بافت جمعیتی این منطقه بود. از آن زمان تا کنون، بیش از ۱۵۰ تبتی - عمدتاً راهبان، راهبه‌ها و جوانان بودایی - به نشانه‌ی اعتراض خودسوزی کرده‌اند. خودسوزی، راهکار مناقشه‌انگیزی در تبت است. به نظر بعضی از منتقدان، خودسوزی‌ها فقط سرکوب را افزایش داده زیرا چین می‌خواهد با گسترش نظارت و پایش در این منطقه از خودسوزی جلوگیری کند. اما دیگران می‌گویند که خودسوزی باعث شرمساری دولت چین می‌شود و نشان می‌دهد که تبتی‌ها حاضرند تا برای بهبود وضعیت سیاسی خود، زندگی‌شان را فدا کنند - امری که بالقوه به جلب همدلی و حمایت بین‌المللی می‌انجامد. افزون بر این، خودسوزی به مردم این حس را می‌دهد که کنترل زندگی خود را به طور کامل در دست دارند. این معترضان تصمیم می‌گیرند که چه وقت و چگونه در راه جامعه‌ی خود جان‌شان را فدا کنند، و به این ترتیب به شیوه‌ای کاملاً خشونت‌پرهیز در برابر سلطه‌ی دولت مقاومت می‌کنند و از آن می‌گریزند. دالایی لاما گفته است که «به نظر من، خودسوزی تمرین خشونت‌پرهیزی است. همان‌طور که می‌بینید، بعضی از آدم‌ها به‌آسانی بمب‌گذاری می‌کنند و به تعداد بیشتری از مردم صدمه می‌زنند. اما این افراد چنین کاری نکردند. فقط زندگی خود را فدا کردند. بنابراین، این هم بخشی از خشونت‌پرهیزی است.» [1]

گاهی خودسوزی می‌تواند جرقه‌ی جنبش فراگیرتری برای تغییر باشد. در تونس در دسامبر ۲۰۱۰، محمد بوعزیزی پس از اینکه به جرم دستفروشی بدون مجوز جریمه شد، خود را آتش زد. فداکاری او - و بی‌عدالتی‌های اقتصادی ساختاری‌ای که عامل آن بود - به جلب همدلی عمیق صدها هزار تونسی انجامید که خیزشی را به راه انداختند و بن علی، دیکتاتوری که حدود ۳۲ سال در قدرت مانده بود، را از اریکه‌ی قدرت ساقط کردند. این امر، خیزش در تعدادی از دیگر کشورهای عربی در سال ۲۰۱۰ و اوایل سال ۲۰۱۱ را در پی داشت.

بنابراین، خودسوزی به افراد اجازه می‌دهد که نشان دهند دولت بر آنها سلطه ندارد، بی‌عدالتی‌های تحمیل‌شده بر جامعه را به شکلی چشمگیر آشکار می‌کند، و می‌تواند بسیج فراگیر را به راه اندازد. گاهی آسیب رساندن به خود، طرف مقابل را شرمسار می‌کند؛ گاهی چندان تأثیری ندارد. بی‌تردید، موج خودسوزی‌های ضدجنگ در ویتنام و آمریکا حمایت آمریکایی‌ها از مداخله در جنگ ویتنام را کاهش داد. اما مثل هر راهکار دیگری، خودسوزی و اعتصاب غذا به‌تنهایی چندان ثمربخش نیست. تا زمانی که این راهکارها بخش

واضحی از جنبشی بزرگتر نباشند و به جلب حمایت از آن جنبش کمک نکنند، [صرفاً] اقداماتی منفردند که به‌تنهایی نمی‌توانند تغییری بیافرینند.

برگردان: عرفان ثابتی

اریکا چنوت استاد دانشکده‌ی کِنِدی و مؤسسه‌ی مطالعات عالی رادکلیف در دانشگاه هاروارد است. آنچه خواندید برگردان این بخش از کتاب زیر است

Erica Chenoweth (2021) 'Are hunger strikes, self-immolation, and other forms of self-harm considered civil resistance?', in Erica Chenoweth (2021) **Civil Resistance**, Oxford University Press.

نقل از بنگاه سخن‌پراکنی استرالیا، ۲۰۱۳ [1]

سایت آسو